

گفت‌وگوی «ایران» با دامدار سنگسری که زندگی طبیعی در زیستگاه را از ۲ توله یوز ماده گرفت

دختران توران، مسافران پردیسان

بیبا میرعظیمی خبرنگار

سال‌ها است که «سگ‌های گله» امان یوزپلنگ ایرانی در منطقه توران را بریده‌اند! اگرچه سازمان حفاظت محیط زیست، مدت‌ها است که پروانه چرای دام دامداران در محدوده ۱۰۰ هزار هکتاری این پارک را خریداری کرده و ورود دام و سگ گله به منطقه حفاظت شده را ممنوع کرده، اما سگ‌های چوپان همچنان تهدید بالقوه این‌گونه در معرض انقراض هستند و قلمرو یوزپلنگ که گونه‌ای قلمرو طلب است بسیار بیشتر از محدوده خریداری شده است. حال در شرایطی که جمعیت این‌گونه باارزش به کمتر از ۳۰ فرد رسیده و زنگ خطر انقراض شدید یوز در کشور به صدا درآمده است، به یکباره خبر پیدا شدن ۲ توله یوز ماده در توران و جدا شدن آنها از زیستگاهی طبیعی (پارک ملی توران، رسانه ای شده و سروصدای زیادی به پا می‌کند! تا در نهایت سرنوشت این دو یوز هم با پارک پردیسان تهران و پروژه تکثیر در اسارت یوز در تهران رقم بخورد. اما چطور این دامدار وارد منطقه حفاظت شده توران شده و ۲ توله یوز ماده را از طبیعت گرفته و تحویل اداره محیط زیست استان سمنان می دهد؟ چه بلایی سر مادر توله‌ها آمده است؟ چگونه توله‌ها به این راحتی از زیستگاه اصلی خود جدا شده و حالا باید تا آخر عمر، پشت درهای اسارت زندگی کنند؟ آیا دامداران و چوپانان این منطقه حق دست زدن و جدا کردن این گونه‌های باارزش از زیستگاه اصلی را دارند؟ و ده‌ها سؤال بی جواب دیگر...

«اکبر نیکفرجمان» خود را ۵۴ ساله و کارمند اداره گاز سمنان معرفی می‌کند. او به «ایران» می‌گوید: «شغل دوم دامداری و دامپروری است. اگرچه چوپان نیستم، اما همه به اشتباه مرا چوپان یابنده توله یوزها معرفی کرده‌اند! هر چند شغلم دامداری و دامپروری است، اما افتخار می‌کنم مرا با نام چوپان صدا کنند.»

این دامدار ادامه می‌دهد: «صبح

پنجشنبه (۱۰ آذر) به تنهایی سوار ماشین شده و وارد منطقه خار توران شدم. زودتر آمدم تا قبل از ورود دام‌ها، آب‌خورها را لایروبی و تمیز کنم! تازه رسیده بودم که صدای وق و ووقی به گوشم رسید. اول تصور کردم صدای پرنده است. اما به توله‌ها نگاه کردم و دیدم که یک یوز بزرگ است. اما فایده‌ای نداشت چون صدا هنوز به گوش می‌رسید. وارد میشه شده و به یکباره ۲ توله یوز نگران و مضطرب بودم. «من ۳۵- ۳۰ سال دامداری است. خب طبیعی باشم. یک گونی از پشت نیسان آورده و توله‌ها را با آن برداشتم. توله اول را که بلند کردم، دیدم ماده است. دومی هم ماده بود». البته در فیلمی که از لحظه مواجهه با یوزها گرفتید و منتشر شد چنین چیزی دیده

پیدا کردم، باور نکرد! او فکر می‌کرد اشتباه کرده‌ام؛ اما وقتی مشخصات توله‌ها را دیدم فهمید درست می‌گویم. وقتی توله یوزها را دیدم مضطرب و گرسنه بوده و سروصدای زیادی می‌کردند. با یک دوربین شکاری که در ماشینم بود اطراف را زیر نظر گرفتم. خبری از مادر یوزها نبود! هوا که تاریک شد تصمیم گرفتم توله‌ها را با خودم ببرم.»

چطور توله یوزها را بدرستی شناختید؟ آیا قبلاً یک یوزپلنگ را از نزدیک دیده بودید؟ او پاسخ می‌دهد: «من سال‌هاست که کارم دامداری است و وقتی توله‌ها را دیدم، شناختم. حتی وقتی به یکی از محیطیان‌ها زنگ زده و گفتم توله یوز



نمی‌شود و شما به یکباره اعلام می‌کنید که توله‌ها ماده هستند: «من سال‌هاست که توله سگ و گربه‌های مختلفی را دیده‌ام و تشخیص جنسیت توله‌ها نیز بر اساس همین تجربیات چندین ساله انجام شد.»

■ **شیر گوسفند خوردند**

او مکتی کرده و ادامه می‌دهد: «توله‌ها را که بلند کردم، شکم‌شان قلاب شده بود! حدس زدم شاید ۴-۲۰ ساعت پیش شیر خورده‌اند. آنها را داخل ماشین گذاشته و به سمت آغل راه افتادم. برای رفع گرسنگی، تصمیم گرفتم شیر ۳ رأس گوسفندی که چند روز پیش زایمان کرده بودند، را به داخل خودم سنجیدم. تقریباً یک لیتر شیر دوشیده و داخل سرتگ‌هایی که برای واکنس گوسفندا استفاده می‌کردم، ریختم. توله‌ها اول مقاومت کرده و نخوردند. حتی کلی چنگول زده و دستم را زخمی کردند. اما بعد از مدتی آرام شده و شروع به خوردن شیر کردند. آن شب هر توله ۵-۴ سی‌سی شیر نوشید! داخل آغل، چند چوپان و کارگر افغانستانی حضور داشته و

در شیر دادن توله‌ها به من کمک کردند! توله‌ها، شیر را خورده و کمی آرام شدند. صبح خیلی زود، توله‌ها را برداشته و دوباره به بیشه برگشتم. با دوربین نگاهی به اطراف کردم، اما خبری از مادر یوزها نبود! توله‌ها را درون بیشه گذاشتم. آن منطقه آنتن نمی‌داد. باید ۱۰ کیلومتر دورتر رفته و اطلاع می‌دادم.»

■ **جدا شدن از طبیعت!**

این دامدار سنگسری می‌افزاید: «صبح جمعه (۱۱ آذر) با یکی از محیطیان‌های منطقه تماس گرفته و ماجرا را تعریف کردم. اول فکر کرد من اشتباه می‌کنم، اما با اطمینان به او گفتم که اینها ۲ توله‌یوز هستند. مشخصات‌شان را هم دادم. ۲ ساعتی نگذشته بود که افرادی برای بازدید آمدند. به منطقه برگشته و توله‌ها را تحویل شان دادم. موقع تحویل توله‌ها، از من سؤال کردند که آیا لحظه‌ای فکر نکردی این توله‌ها را برای خودت برداشته یا با قیمت کلانی در بازار بفروشی؟ من گفتم هرگز.»

فارخ از بحث قاچاق و احتمال روده شدن مادر توله‌ها در توران، از این دامدار سنگسری می‌پرسم که آیا احتمال حمله سگ‌های گله به مادر توله یوزها وجود دارد؟ دام‌ها و سگ‌هایی که این همه به زیستگاه اصلی این گونه در حال انقراض نزدیک شده و تابحال فکری جدی به حال‌شان نشده است! او می‌گوید: «اگر سگ‌های گله زودتر از من وارد این منطقه شده بودند توله‌ها را تکه و پاره می‌کردند!» سگ‌های گله‌ای که حالا در یک قدمی زیستگاه اصلی یوزپلنگ ایرانی ایستاده و دندان برای مرگ حتمی این گونه در حال انقراض تیز کرده‌اند! اکبر نیکفرجام این دامدار سنگسری، توله‌ها را تحویل اداره محیط زیست سمنان داده و راهی خانه می‌شود. آخر داستان هم ۲ توله‌یوز ماده می‌ماند و یک عمر حسرت زندگی در زیستگاهی طبیعی! آنها هم مثل ماریتا، کوشکی، دلبر، ایران و پیروز راهی پارک پردیسان در تهران می‌شوند.

■ یکشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۸۰۷۵

زیست‌بوم

۱۵

«حقوق حیوانات» در قاب سلامت مشترک

سال‌ها است که حقوق حیوانات به درستی در کشور شناخته نشده و در مواقعی نیز مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی قرار گرفته است. مشکل اینجا است که این موضوع همیشه به‌عنوان یک

دغدغه درجه دومی و صرفاً از روی شکم‌سیری بخشی از مردم یا فعالان تصور می‌شود. این تصور، هم به لحاظ نظری و هم عملی نادرست بوده و اساساً مبنای توجه به حقوق حیوانات، ارتباطی به وضعیت مالی اشخاص ندارد؛ بلکه نوعی ارتباط اخلاقی بی‌واسطه با حیوانات و تجربه ادراک حیوان به‌عنوان «دیگری» دارای آگاهی و واجد حق و حقوق است. در گذشته تصور می‌شد حیوانات فاقد آگاهی و سیستم عصبی هستند و درد و رنج را درک نمی‌کنند، اما علم امروز دقیقاً عکس این را نشان می‌دهد، بنابراین در اخلاق نیز اخلاق حیوانات به میان آمد، چراکه مبنای اخلاق و حقوق بشر برای انسان در نهایت از همان خود آگاهی و توانایی ادراک درد و رنج در انسان بنا می‌شود.

روز گذشته (۱۹آذرماه) روز جهانی حقوق حیوانات بود. زمانی که این موضوع نسبت به دیگر مسائل در درجه اهمیت پایین‌تری قرار گیرد، قوانینش زیر پا گذاشته شده و در رعایت آنها کوتاهی خواهد شد. این درحالی است که فعالیت جنش‌های حقوق حیوانات در اغلب کشورها، تنها در قاب حیوان‌دوستی خلاصه نشده و مطالبات این موضوع در قاب‌هایی چون سلامت و بهداشت عمومی، عدالت زیستی و سلامت واحد، پیگیری می‌شود؛ مخصوصاً در سال‌های اخیر که سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان بهداشت جهانی (WHO) و سازمان جهانی بهداشت حیوانات (WOAH) نیز بر اهمیت رویکرد سلامت واحد و لزوم آن برای سلامت و بهداشت عمومی تأکید می‌کنند. بدین معنا که سلامت همه موجودات زنده اعم از انسان‌ها از هر طبقه‌ای اعم از فقیر، غنی و... و حیوانات به یکدیگر وابسته بوده و تنها در یک قاب مشترک تأمین خواهد شد. امروزه با توجه به افزایش جمعیت انسان‌ها، درگیری انسان با محیط‌زیست افزایش یافته و ضرورت تأمین سلامت مشترک میان موجودات زنده دوچندان شده است. پیگیری رویکرد سلامت واحد در کشور، سازنده و ارزشمند است. باید توضیح داده شود که رعایت حقوق حیوانات چه نفعی برای انسان خواهد داشت. تا زمانی که این رویکرد در درجه گفتمان درجه دومی (صرفاً حیوان‌دوستی) باقی بماند، طرف توجه مراجع قضایی و مجلس نیز نخواهد بود. متأسفانه ما مشکلات کشور را اولویت‌بندی کرده و تصور می‌کنیم تا زمانی که آنها حل نشوند، مشکلاتی نظیر حقوق حیوانات رفع نخواهند شد. برای حل این مشکل باید با استناد به رویکرد و قوانین موجود در سلامت واحد، مطالبات حقوق حیوانات را نیز پیگیری کرد. باید این نکته را در نظر داشته باشیم که جامعه سالم وابسته به سلامت تمام موجودات زنده اعم از حیوانات (حیات‌وحش، حیوانات شهری، خانگی و دام‌ها) بوده و هرگونه بی‌توجهی، سلامت و بهداشت عمومی را به مخاطره خواهد انداخت. همه مردم باید پیام سلامت واحد را دریافت کرده و با پذیرش آن گامی بزرگ در توجه به سلامتی حیوانات بردارند. قطعاً توجه به سلامت حیوانات، احقاق حقوق حیوانات را دربرخواهد گرفت. متأسفانه طی سال‌های گذشته مطالبه‌گری بخشی از فعالان حقوق حیوانات، تنها محدود به قاب حیوان‌دوستی و مسأله اخلاقی دربارہ حیوانات شده و رویکرد مشترکی جایگزین آن نشده است. در فقدان قانون حیوانات، برای تغییر این وضعیت باید با استناد به رویکرد سلامت واحد مطرح‌شده در سازمان ملل و سازمان‌های تابعه که اتفاقاً ایران نیز عضو آنها است، سلامت حیوانات (و حقوق ایشان در امتداد آن) مورد توجه قرار گرفته و رعایت آن از سوی مسئولان، فعالان و همه مردم به امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شود، چراکه علم امروز می‌گوید بی‌توجهی به حق حیوانات، به خطر انداختن سلامت و بهداشت عمومی است که اتفاقاً این مورد در قانون کشور ما نیز جرم است.

یادداشت



مجتبی‌تباطبیایی پژوهشگر اخلاق محیط‌زیست و فعال حقوق حیوانات

سدسازی‌های افراطی و عملیات عمرانی و اقتصادی ناپایدار، امان کوه‌ها را بریده است

تأمین آب از دل «کوهستان»

آوین منقایی خبرنگار

کوهستان‌ها، آب‌انبارهای زمین هستند. این زیست‌بوم منبع اصلی رشد و نمو گیاهان بوده و در تأمین آب، جذب آب باران و جلوگیری از سیل و حفاظت از گونه‌های بی‌شمار حیات‌وحش، تلطیف هوا و... نقش مؤثری دارد. امروز (۲۰ آذر) روز جهانی کوهستان با موضوع «زنان، کوه را جایه‌جا می‌کنند» نامگذاری شده تا توجه بیشتر مردان و زنان کوهستان را به نقش اساسی این زیستگاه متنوع و غنی در تعادل زمین و چرخه‌های آن در طبیعت جلب کرده و حفاظت از آن در جوامع انسانی را به امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تبدیل کند.

«عباس محمدی» مدیر دیده‌بان کوهستان انجمن کوهنوردان ایران، تأمین آب برای منافع انسانی را یکی از دلایل اهمیت کوهستان‌ها دانسته و به «ایران» می‌گوید: سال‌هاست که کوه‌ها در مخالف جهانی و دانشگاهی مختلف، به برج‌های آب مشهور شده وهمانند مخزنی عظیم، آب را برای مصارف مسکونی و کشاورزی و... ذخیره کرده است. کوهستان‌ها در عین‌حال به حفاظت از تنوع زیستی کمک کرده و پناهگاهی امن برای حیات‌وحش تلقی می‌شود. همچنین ضمن حفاظت از پوشش گیاهان مختلف، در تعدیل وضعیت جوی و آب و هوا نیز ایفای نقش می‌کنند. کوه‌ها در عین‌حال دارای ارزش گردشگری بوده و نقش مؤثری را در توسعه انواع ورزش‌ها صید ممنوع است و در صورت برخورد خاطیان به مراجع قضایی معرفی دارند. به‌گونه‌ای که ۲۰-۱۵ درصد کل



3

حفاظت‌جمعی ازکوهستان

طبق گفته مدیر دیده‌بان کوهستان انجمن کوهنوردان ایران، مسئولان و دست‌اندرکاران حکومتی باید آستین‌ها را برای نجات کوهستان بالا زده و تجدیدنظری اساسی در سیاست‌های سدسازی و آبخیزداری انجام دهند. مردم و دوستداران طبیعت نیز هم‌زمان با بیان مشکلات، مطالبه راه‌حل و ارائه پیشنهادات باید مسئولیت فردی خود در حفاظت از کوهستان‌ها را پذیرفته و از پذیرش مسئولیت‌های حفاظت از کوهستان و طبیعت‌شانه خالی نکنند. زلزله‌ای در کوهستان ریخته نشده‌وردی از حضور مردم در قلب کوهستان‌ها برچای نم‌اند. ورود به کوهستان با موتورسیکلت و ماشین، فرسایش خاک را تشدید کرده و باعث از بین رفتن پوشش گیاهی می‌شود. اغلب مردم بومی و گردشگران در فضول بهار و پاییز اقدام به چیدن و حتی فروش گیاهان ویا میوه‌های کوهستانی نظیر اژگیل و خرمالوی جنگلی می‌... می‌کنند. اقدامی که به زرادآوری گیاهان و حتی حیات‌وحش آسیب‌بسیاری وارد می‌کند.

نیلوفر منموری خبرنگار

چهار روز است که پرندگان مهاجر ساحل چاف، مثل سال‌های گذشته تلف می‌شوند. طبق آمار گفته می‌شود مرگ و میر آنها در این چهار روز به ۱۳۸ قطعه رسیده است. باکلان‌ها گونه‌ای از پرندگان هستند که هر ساله در تورهای صیادی گرفتار و خفه می‌شوند و این شکل از مردن، در تمام خط ساحلی شمال کشور از مازندران، گیلان و گلستان به وفور دیده می‌شود. در همین زمینه پرونده قضایی هم علیه پره صیادی تشکیل شده، اما با وجود این هر سال همین بساط وجود دارد.

مرگ پرندگان مهاجر در تالاب‌ها و سواحل دریای خزر موضوع جدیدی نیست، درباره علت آن هم حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد. از گیر افتادن در پره‌های صیادی به وسیله تورهای صیادان تا شیوع آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان. تورهای ماهیگیری سواحل جنوبی کاسپین، سال‌هاست که سفره مشترک صیادان و پرندگان است. سفره‌ای که در لحظه جمع شدن، علاوه بر اینکه صحنه نابی از همزیستی مرغ ماهی‌خوار و صیادان را ایجاد می‌کند، اما مشکلات و چالش‌هایی را هم به وجود می‌آورد که آن هم کشتار و تلف شدن این نسل از مرغ‌های دریایی است.

امسال نیز درست مانند سال‌های گذشته اخباری مبنی بر تلف شدن تعدادی از باکلان‌ها در ساحل چاف

مرگ خاموش «باکلان‌ها» در ساحل خزر ادامه دارد

تورهایی که پرنده صید می‌کنند



2

چمخاله منتشر شد. رئیس اداره

حفاظت محیط زیست لنگرود، این خبر را تأیید می‌کند و به «ایران» می‌گوید: شانزدهم آذر ماه گزارش مردمی از تلفات و کشتار پرندگان مهاجر در حاشیه ساحل چاف دریافت کردیم. آنطور که حسین جهش می‌گوید: براساس شواهد موجود تعداد ۱۳۸ قطعه باکلان در تور صیادان پیره گرفتار و خفه شده بودند.

او با اشاره به سابقه بیماری آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان، تأکید می‌کند که در ابتدا گمان بردیم که ممکن است مرگ پرندگان به دلیل بیماری آنفلوآنزای فوق حاد باشد، به همین جهت با هماهنگی و همراهی با کارشناسان اداره دامپزشکی در منطقه حضور پیدا کردیم و با پایش‌ها و بررسی‌های صورت گرفته دلیل مرگ آنها خفگی اعلام شد.

■ **پرنده‌هایی با پرواز تند و تیز**

پرواز باکلان‌ها دیدن دارد. باکلان‌ها در یک دسته و در یک خط باگردنی فراز و پروازی تند و تیز و شتابان سینه آسمان را می‌شکافند و دل دریا بیوند می‌دهند. شیرجه‌ای که در فصل ماهگیری به مرگ آنها می‌انجامد. جهش می‌گوید: صید و ماهیگیری در سواحل دریای خزر به روش سنتی پره است؛ به این صورت که تورهایی با ارتفاع و طول مشخص به‌صورت نیم دایره پهن می‌شوند و در یک شعاع حدود ۶۰۰ متری تجمع ماهیان در وسط پره است. باکلان‌ها هنگام بالا کشیدن تور توسط صیادان در دسته‌های زیاد به تورهای صیادان هجوم می‌آورند و تعدادی در اثر گیر کردن در تورها دچار خفگی می‌شوند.

او ادامه می‌دهد: بارها با تعاونی‌های شرکت صیادان پره صحبت کرده‌ایم و به آنها پیشنهاد داده‌ایم که برای کاهش تلفات قایق موتور، سروصدا ایجاد کنند تا باکلان‌ها از تور و ماهی‌های گرفتار در تور دوری کنند اما گاهی این اتفاقات به صورت غیرعمد می‌افتد و شاهد مرگ‌ومیر تعدادی از باکلان‌ها می‌شویم.

به گفته رئیس اداره محیط زیست لنگرود، با توجه به بیماری آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان، امسال در سواحل استان‌های گیلان، مازندران و گلستان هیچ‌گونه پروانه شکاری پرندگان صادر نشده است و در این سه استان شکار و صید ممنوع است و در صورت برخورد خاطیان به مراجع قضایی معرفی خواهند شد.

زباله‌ها نفس «قره‌سو» را بریند

«قره سو» رودخانه‌ای در دشت کرمانشاه که از درون شهر کرمانشاه می‌گذرد و قدمتی تاریخی دارد اما این روزها به واسطه ورود فاضلاب و انباشت زباله حال روز خوبی ندارد. «قره سو» این رود از سراب روانسر در شمال غرب کرمانشاه سرچشمه گرفته و پس از عبور از این شهر در منطقه فرامان به رود گاماسیاب می‌ریزد. این رودخانه که از شهر کرمانشاه عبور می‌کند به دلیل ورود فاضلاب به آن بوی نامطبوعی دارد که عابران را آزار می‌دهد. همچنین قره سو میزبان پرندگان مهاجر نیز است.

